



بلاغت کاربردی (۱)

درس ۲۹

فصل پنجم: «مقدم کردن مند»

استاد: سرکار خانم فرخی
آموزشیار: حسن شم‌آبادی

مقدمه

سخن در احوال مسند بود. گفتیم یکی از احوال مسند مقدم شدن آن بر مسندالیه است که اگر چه عده‌ای از نحوی‌ها (کوفی‌ها) مقدم شدم مسند را ممنوع می‌دانند؛ اما بیشتر نحوی‌ها آن را جایز می‌شمارند. در آیات شریفه‌ی قرآن نیز موارد فراوانی از تقدیم مسند وجود دارد که چون انگیزه‌های مختلفی در تقدیم مسند وجود دارد و بعضی از موارد تقدیم مسند واجب و بعضی جایز است؛ لذا فراگیری بهتر و عمیق‌تر این درس دانش پژوه را با بلاغت بیشتر آشنا خواهد کرد.

فصل پنجم: «مقدم کردن مسند»

هدف این فصل:

بعد از بررسی این فصل، می‌توانید به سئوالات زیر پاسخ دهید:

۱. به چه دلیل مقدم کردن مسند بر مسندالیه جایز است؟
 ۲. در چه مواردی مقدم کردن مسند واجب است؟
 ۳. انگیزه‌ها و علت‌های مقدم کردن مسند چیست؟
- در آیات زیر دقت کنید، و مسند را در آن‌ها مشخص کنید و در علت مقدم کردن مسند فکر کنید:

۱. «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»^۱

۲. «فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»^۲

۳. «لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۳

۴. «لَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا»^۴

اختلاف شده است در این که آیا در جمله ی اسمیه مقدم کردن مسند بر مسندالیه جایز است؟ کوفی‌ها مقدم کردن خبر بر مبتدا را ممنوع کرده‌اند؛ اما بیشتر نحوی‌ها آن را جایز می‌دانند. مقصود از مقدم کردن مسند، مقدم کردن معنوی و لفظی است یعنی اعم از این دو است بر خلاف آن چه که از مقدم کردن مسندالیه قصد شد. و این دو را در مقدمه‌ی فصل «تقديم مسندالیه» (درس ۲۴) توضیح دادیم.

موارد وجوب تقديم مسند

۱. خبر مفرد و صدارت طلب باشد. مثل: «أَيُّنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ»^۵.

۲. مبتدا شامل ضمیری باشد که به خبر بر می‌گردد. مثل:

«أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۶

۳. مبتدا محصور به الّا یا انما باشد.

^۱ انعام، ۱۴۹.

^۲ بقره، ۱۰.

^۳ بقره، ۷.

^۴ اعراف، ۱۷۹.

^۵ نحل، ۲۷.

^۶ محمد، ۲۴.

۴. مقدم شدن خبر، آمدن مبتدای نکره تخصیص نشده را تصحیح کند ؛ مثل: «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ»^۱ و «لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ»^۲ وَ «عَلَىٰ أَبْصَرِهِمْ غِشَاوَةٌ»^۳ زیرا مقدم کردن مسند، اختصاص نکره را می رساند پس جایز است که مبتدا نکره بیاید.

۵. «أَنَّ» و صله اش، مبتدا قرار گیرند.

۶. مسند عامل مسندالیه باشد مثل فعل و فاعل؛ «ذهب الله بنورهم» مثل مبتدای وصفی، «اضارب انت». دلیل مقدم نمودن مسند بر مسندالیه در این موارد در کتابهای نحوی بیان شده است.

الف) خبر مفرد و صدارت طلب باشد	موارد وجوب تقدیم مسند
ب) مبتدا شامل ضمیری باشد که به خبر برمی گردد	
ج) مبتدا محصور به آلا یا انما باشد	
د) مقدم شدن خبر، آمدن مبتدای نکره ی تخصیص نشده را تصحیح کند	
ه) أَنَّ و صله اش مبتدا واقع شوند	
و) مسند عامل مسندالیه باشد.	

SCO۱:۸:۵۵

انگیزه های مقدم کردن مسند

۱. تخصیص، یعنی منحصر کردن مسندالیه بر مسند (به صورت حقیقی یعنی حقیقتاً ، یا نسبی و اضافی) و این مورد درجایی است که مقدم کردن واجب نیست، مثل:

«فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»^۱ وَ «لَا فِيهَا غَوْلٌ وَ لَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ»^۲ وَ «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۳

خطیب قزوینی در «التخلیص» گفته است: به خاطر این که مقدم نمودن مسند، تخصیص را می رساند، در آیه ی «لَا رَيْبَ فِيهِ»^۴ ظرف مقدم نشده است؛ زیرا شک و تردیدی در کتاب های الهی دیگر ثابت نشده است.

^۱ انفال ۷۴.

^۲ یونس ۴۷.

^۳ بقره ۷.

^۴ انعام ۱۴۷.

^۵ صافات ۴۷.

^۶ آل عمران، ۱۵

^۷ بقره ۲.

۲. تخصیص بیشتر نکره؛ در آن جا که مبتدا نکره ای است که صفت دارد؛ مثل «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱ و گفته شده که حصر را نیز می رساند.

۳. توجه دادن از ابتدا به این نکته که مسند خبر است و نعت نیست ، این مورد در جایی است که خبر ظرف باشد، مثل «لَهُمْ أَذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا»^۲ و هنگامی که مبتدا نکره ای باشد که تخصیص نخورده است که این نوع مقدم کردن واجب است همان طور که در بحث قبل گذشت.

۴. مسند مورد سؤال قرار گیرد یا موقعیت اقتضای مسند را داشته باشد ؛ مثل «لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»^۳ «خلق» تکرار شده است تا مسندالیه را در ذهن شنونده ثابت و مستقر کند و گمان شنونده را مبنی بر خلاف مقصود این مطلب دفع کند. علت ها و فایده های دیگری نیز برای مقدم کردن مسند وجود دارد، مانند این که مسند علت برای مسندالیه است، تعجیل در بیان خوشحالی و شادی یا بدی و ناراحتی، تشویق به ذکر شدن مسندالیه.

تمرین

در آیات زیر مسند را مشخص کرده و علت مقدم شدن آن را بیان نمایید:

۱. «أَوَلَيْكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۴

۲. «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ»^۵

۳. «وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا»^۶

۴. «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۷

۵. «بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۸

^۱ بقره، ۷.

^۲ اعراف، ۱۷۹.

^۳ زخرف، ۹.

^۴ انفال، ۴.

^۵ کافرون، ۶.

^۶ انبیاء، ۹۷.

^۷ فرقان، ۴۳.

^۸ ال عمران، ۲۶.

مهمترین انگیزه های تقدیم مسند

- الف) تخصیص؛ در مواردی که مقدم کردن مسند واجب نیست.
- ب) تخصیص بیشتر نکره؛ و این در مواردی است که مبتدا نکره‌ی موصوفه باشد.
- ج) توجه دادن از ابتدا به این نکته که مسند خبر است نه نعت.
- د) مسند مورد سؤال قرار گیرد یا موقعیت اقتضای تقدیم مسند را داشته باشد.

Scor۳:۲۱:۰۲

چکیده

۱. کوفی ها مقدم کردن خبر برای مبتدا را ممنوع می دانند؛ اما بیشتر نحوی ها آن را جایز می دانند.
۲. مقصود از مقدم کردن مسند بر مسندالیه، اعمّ از تقدیم معنوی و لفظی است.
۳. موارد وجوب تقدیم مسند عبارتند از: الف) خبر مفرد و صدارت طلب باشد؛ ب) مبتدا شامل ضمیری باشد که به خبر برمی گردد؛ ج) مبتدا محصور به الّا یا انّما باشد؛ د) مقدم شدن خبر، آمدن مبتدای نکره ی تخصیص نشده را تصحیح کند؛ ه) أنّ و صله اش مبتدا واقع شوند؛ و) مسند عامل مسندالیه باشد.
۴. مهمترین انگیزه های تقدیم مسند عبارتند از:
الف) تخصیص (منحصر کردن حقیقی یا نسبی مسندالیه بر مسند) و این در مواردی است که مقدم کردن مسند واجب نیست.
ب) تخصیص بیشتر نکره؛ و این در مواردی است که مبتدا نکره ی موصوفه باشد.
ج) توجه دادن از ابتدا به این نکته که مسند خبر است نه نعت.
د) مسند مورد سؤال قرار گیرد یا موقعیت اقتضای تقدیم مسند را داشته باشد.